

Original Article

Role of Providing Urban Services in Creating Marginal neighborhoods of Yazd City Based on Citizenship Rights

Mohamad Hossein Jafari¹, Mehri Heidari Noshahr², Elahe Parsa^{3*}

1. Assistant Professor, Department of Law, Yazd Branch of Islamic Azad University, Yazd, Iran.

2. Ph.D. in Geography and Urban Planning, science and research Branch of Islamic Azad University, Lecturer of University Tehran, Iran.

3. Ph.D in Private Law, Researcher Of Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University, Lecturer of University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: Elaheparsa@live.com

Received: 16 Apr 2018 Accepted: 27 Aug 2018

Abstract

The marginalization of the outcomes of disparate development in the urbanization system. In the process of expanding cities, in recent decades, many villages and towns have been merged into cities. Yazd city has not been the exception and has included the margin of all areas of Yazd city. Since the effects of inequality in the neighborhoods of Yazd city have been reflected in the use of space in the use of urban landscapes. Therefore, when marginalized people saw unequal distribution of urban resources and rights unfair, they saw themselves unable to recover from the socio-economic situation. Therefore, in this article, we are going to examine the factors affecting the erosion and the relationship between the use of services and citizen rights by marginalization and crime. According to the dispersion coefficient of utilities and urban services in marginal neighborhoods (188.9) and non marginal neighborhoods (14.49), it is concluded that educational, health, cultural, commercial, sports, Green space is considered as one of the factors affecting marginalization. Based on ranking models of settlements, the degree of development in 41 neighborhoods of Yazd has shown a significant difference. Also, the correlation coefficient between non-development and marginalization is valid 035/0. According to linear regression, there was a significant relationship between marginalization and unfair distribution of services and lack of development. Moreover, the results of the cluster model suggest that other factors have been implicated in the marginalization of a neighborhood, other than the lack of services and utilities. The findings of this section of the study are in line with the urban ecosystem perspective. Regarding the damage and social crime of marginalization, according to a sample of 282 residents of the marginal areas of Yazd, it has been found that relatively low unemployed people have committed social crimes. Also, the results showed no significant relationship between immigration and committing social crimes. The results of this study were consistent with theories of social stratification. The marginalization problem is a result of inattention and inadmissibility of citizenship rights. The definition of Yazd margin residents as the second degree citizens is contrary to the principles of the Constitution and the Charter of Civil Rights. Therefore, the government should pay more attention to providing services for Marginalization, to nobody be considered as marginalized or resident in informal settlements.

Keywords: Marginalization; Urban Services; Civil Rights; Social Damages; Yazd City

Please cite this article as: Jafari MH, Heidari Noshahr M, Parsa E. Role of Providing Urban Services in Creating Marginal neighborhoods of Yazd City Based on Citizenship Rights. *Bioethics Journal*, Special Issue on Citizenship Rights, Autumn 2018; 83-94.

نقش ارائه خدمات شهری در ایجاد محله‌های حاشیه‌نشین شهر یزد با تکیه بر حقوق شهروندی

محمدحسین جعفری^۱، مهری حیدری نوشهر^۲، الهه پارسا^{۳*}

۱. استادیار، عضو هیأت علمی گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۲. دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، مدرس دانشگاه، تهران، ایران.

۳. دکتری حقوق خصوصی، پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه شهید بهشتی، مدرس دانشگاه، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Elaheparsa@live.com

دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۷ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۵

چکیده

حاشیه‌نشینی از پیامدهای توسعه ناهمسو در نظام شهرنشینی است. در روند گسترش شهرها نیز طی چند دهه اخیر آبادی‌ها و روستاهای بسیاری به شهرها پیوند خورده و در آن‌ها ادغام گردیده‌اند. شهر یزد از این امر مستثنی نبوده است و حاشیه‌نشینی تمام مناطق شهر یزد را دربر گرفته است. از آنجایی که آثار نابرابری محله‌های شهر یزد در برخورداری از کاربری‌های شهری در شکل استفاده از فضا بازتاب پیدا کرده است، بنابراین وقتی حاشیه‌نشینان پراکندگی نابرابر منابع و حقوق شهری را ناعادلانه دیدند، خود را ناتوان از بهبود موقعیت اقتصادی - اجتماعی دیدند. از این رو در این مقاله درصدد بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی و همچنین رابطه استفاده از خدمات و حقوق شهروندی توسط حاشیه‌نشین‌ها و ارتکاب جرم هستیم. با توجه به ضریب پراکندگی کاربری‌ها و خدمات شهری در محلات حاشیه‌نشین (۱۸۸/۹) و محلات غیر حاشیه‌نشین (۱۴/۴۹) چنین استنباط می‌شود که شاخص‌های آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، تجاری، ورزشی، فضای سبز به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در حاشیه‌نشینی محسوب می‌شوند. بر اساس مدل‌های رتبه‌بندی سکونتگاه‌ها، درجه توسعه‌یافتگی در ۴۱ محله شهر تفاوت چشم‌گیری را نشان داده است. همچنین میزان اعتبار همبستگی بین عدم توسعه‌یافتگی و حاشیه‌نشینی با ۰/۳۵ قابل اعتبار بوده است. بر اساس رگرسیون خطی نیز ارتباط معنی‌داری بین حاشیه‌نشینی و توزیع ناعادلانه خدمات و عدم توسعه‌یافتگی وجود داشته است. علاوه بر این، نتایج مدل خوشه‌ای، حاکی از این است که برای حاشیه‌نشین‌بودن یک محله، غیر از کمبود خدمات و کاربری‌ها، فاکتورهای دیگری نیز مطرح بوده است. یافته‌های این قسمت از تحقیق به موازات دیدگاه بوم‌شناسی شهری است. در رابطه با آسیب‌ها و جرائم اجتماعی حاشیه‌نشینی باید گفت، بر اساس نمونه‌ای به حجم ۲۸۲ نفر از ساکنین مناطق حاشیه‌ای شهر یزد مشخص گردید که افراد بیکار و با درآمد پایین نسبتاً بیشتر مرتکب جرائم اجتماعی شده‌اند. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که بین مهاجرت و ارتکاب جرائم اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. نتایج این تحقیق، همسو با نظریات قشربندی اجتماعی بوده است. معضل حاشیه‌نشینی حاصل بی‌توجهی و بی‌عدالتی به حقوق شهروندی است. اطلاق ساکنان حاشیه شهر به شهروند درجه دو مغایر اصول قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی است. برای رفع این امر دولت باید در ارائه خدمات به حاشیه شهرها توجه بیشتر نماید تا شخصی به عنوان حاشیه‌نشین یا ساکن سکونتگاه غیر رسمی شناخته نشود.

واژگان کلیدی: حاشیه‌نشینی؛ خدمات شهری؛ حقوق شهروندی؛ آسیب‌های اجتماعی؛ شهر یزد

مقدمه

یکی از مهم‌ترین تحولات اجتماعی در نیم قرن اخیر توسعه شهرنشینی است. در ایران نسبت شهرنشینی از ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۶۸/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است (۱). ایجاد محله‌های حاشیه‌نشین از عواقب رشد شتابان شهرنشینی می‌باشد. در این زمینه مسأله مهم، تأثیر کاربری‌های شهری در قشربندی اجتماعی و اقتصادی است (۲-۳). قشربندی اجتماعی، بیشتر بر نابرابری‌ها تأکید دارد و هدف بسیاری از جغرافیدانان و حقوقدانان کشف نابرابری‌هایی است که در اثر توزیع نامناسب منابع و امکانات به وجود می‌آید و این امر همواره مورد توجه برنامه‌ریزان شهری بوده و نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی شهری را به ارائه فرضیاتی پیرامون پیدایش نابرابری واداشته است (۷-۴). در این زمینه دیوید هاروی معتقد است تنها با حذف ساز و کارهای حاکم بر نظام کاربری زمین می‌توان از تشکیل گتوهای فقر جلوگیری کرد. از سوی دیگر مناطق حاشیه‌نشین از نظر کالبدی دارای تمایزات ناهمگون با سایر مناطق شهری و وضعیت نامطلوب هستند (۱۲-۸). در این پژوهش منظور از حاشیه‌نشینان کسانی هستند که نتوانسته‌اند جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهر شوند و مکان‌گزینی آن‌ها، اغلب در اراضی حاشیه شهرها و به صورت غیر قانونی صورت گرفته است.

وجه مشخصه شهرنشینی جهان سومی فعلی، ناموزونی و نابرابری است. اشاعه قابل توجهی از ثروت و زندگی اقلیت در فقر، از ناکامی‌های خط مشی شهری قلمداد می‌شوند (۱۴-۱۳). آثار این نابرابری‌ها در شکل استفاده از فضا نیز بازتاب پیدا می‌کند و باعث می‌شود تا گروه‌های کم‌درآمد شهری مجبور به سکونت در حاشیه شهرها شوند. این امر که منجر به ساخت و سازهای بدون برنامه و شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی شده است، یک شیب اجتماعی رو به پایین سکونت از هسته به سوی مناطق حاشیه‌ای را به وجود آورده است (۱۶-۱۵). حاشیه‌نشینی از پیامدهای توسعه ناهمسو در نظام شهرنشینی است و بازتاب کالبدی آن، آن‌ها را در زمره محله‌های فقیر شهری قرار می‌دهد. از این رو وقتی حاشیه‌نشینان پراکندگی نابرابر خدمات شهری را ناعادلانه بدانند، احساس محرومیت در آن‌ها

به وجود می‌آید (۱۸-۱۷). نباید شهروند ساکن مناطق حاشیه‌ای این احساس را داشته باشد که علاوه بر دوری از مناطق برخوردار شهر، از اجتماع هم به حاشیه رانده شده است، بسیاری از شهروندان حاشیه‌نشین خود را شهروند درجه دوم تلقی می‌کنند که از سوی دیگر شهرنشینان به حاشیه رانده شده‌اند. این مسأله مهمی است و باید این عنوان حاشیه‌نشین و شهروند درجه دومی از این مردم حذف شود؛ اطلاق شهروند درجه دوم به این مردم، یعنی این‌که نه تنها خدمت‌رسانی به این افراد انجام نشده، بلکه یک برچسب هم به آن‌ها زده‌ایم. از این رو باید عنوانی برای این مناطق انتخاب شود تا این برداشت به وجود نیاید که آن‌ها به واسطه فقر خدمات، در درجه دوم شهروندی قرار دارند. آن‌ها مثل دیگر شهروندان، شهروند درجه یک هستند، تنها با این تفاوت که دولت نتوانسته به عنوان مسؤول امر، خدمات در شأن آن‌ها را در اختیارشان قرار بدهد. اگر این احساس در شهروندان حاشیه‌نشین بروز نماید، آن‌ها زنگ خطری برای جوامع شهری تلقی شده و انواعی از انحرافات و آسیب‌های اجتماعی را در محیط‌های حاشیه‌ای شهرها موجب می‌شوند (۱۹).

مقاله حاضر به بررسی اثرات توزیع خدمات و کاربری‌های شهری بر شکل‌گیری محله‌های حاشیه‌نشین در سطح شهر یزد و شناخت پیامدهای منفی عدم رعایت حقوق شهروندی آن‌ها پرداخته و به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است.

سؤال اصلی: آیا شکل‌گیری محله‌های حاشیه‌نشین شهر یزد تحت تأثیر نابرابری محله‌ها در برخورداری از کاربری‌ها و خدمات شهری است؟

سؤال فرعی: آیا محلات غیر حاشیه‌نشین در شهر یزد از کاربری‌ها و خدمات مطلوب شهری برخوردارند؟ و چه رابطه‌ای بین عوامل مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی در صورت عدم رعایت حقوق شهروندی در محلات حاشیه‌نشین شهر یزد وجود دارد؟ این سؤالات موضوعات و فرضیه‌هایی (Hypothesis) را به شرح زیر مطرح می‌سازند:

- نابرابری برخورداری محله‌ها از کاربری‌ها و خدمات شهری از شاخص‌های اثرگذار در شکل‌گیری محله‌های حاشیه‌نشین در شهر یزد بوده است.

- بین عوامل مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی و عدم رعایت حقوق شهروندی در محلات حاشیه‌نشین شهر یزد رابطه معناداری وجود دارد.

۱- مبانی نظری تحقیق

اولین کسی که اصطلاح حاشیه‌نشینی را به کار برد، رابرت ای. پارک بود. پارک در مقاله «مهاجرت بشر و انسان حاشیه‌نشین» حاشیه‌نشینی را نتیجه عملکردهای اقتصادی - سیاسی می‌داند (۲۰). ویلیام فوت وایت (۱۹۴۳ م) در کتاب خود به نام «جامعه کنار خیابان» تمایزات میان محلات را روشن می‌سازد. پیترو لویید از دیدگاه پدیدارشناسی به بررسی زاغه‌های حاشیه شهر پرداخته و این نوع مسکن را «زاغه‌های امید» خوانده است. «نظام اجتماعی زاغه» عنوان اثری است که ساتلز (۱۹۶۸ م) در آن فضای فیزیکی را عنصر اساسی در فرآیندهای اجتماعی می‌داند.

دیدگاه بوم‌شناسی شهری، صحنه شهری را محل تنازع بقا و جای‌گیری مناسب‌تر در بهترین فضای شهری تحلیل می‌کند (۲۱). در این زمینه ارنست برگس و لوئیس ورث معتقدند علت شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین تمرکز گروه‌های فقیر در نواحی فاقد خدمات کافی است (۲۲). در نظریه کاربری اراضی شهری، شکل و نظام فضایی خاصی که شهر به خود می‌گیرد، نتیجه رقابت گروه‌های مختلف شهری در جهت احراز موقعیت شهر است. در این صورت بازندگان این رقابت به ظهور پدیده‌هایی نظیر زاغه‌نشینی، حاشیه‌نشینی، حلبی‌آباد و... دامن می‌زنند (۲۳). مارشال کلینارد و ارنست برگس از طرفداران این نظریه معتقدند که حاشیه‌نشینی بر اثر تقسیم فضاهای شهری حاصل می‌آید (۲۴).

در دیدگاه لیبرالی پدیده حاشیه‌نشینی به عنوان یک واقعیت پذیرفته شده و به دنبال راه‌کارهای بهینه‌سازی شرایط زندگی در مناطق حاشیه‌نشین هستند و با اعطای زمین به اشکال مختلف، دادن وام و کنترل دولتی زمین، موضوع را خاتمه یافته تلقی می‌نمایند (۱۹، ۲۵).

بر اساس دیدگاه اقتصاد سیاسی، فضا، در فرایند شهرنشینی شتابان و ناهمگون به موازات رشد نامتعادل اقتصادی، نابرابری درآمدها افزایش می‌یابد و عدم تعادل‌های ساختاری در جامعه

شتاب می‌گیرد. در این دیدگاه به علل پیدایش مناطق حاشیه‌نشین توجه شده و کوشش می‌گردد تا ریشه مسأله شناسایی شود (۲۶-۲۵).

جامعه‌گرایان جدید نیز پدیده حاشیه‌نشینی را نتیجه نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی می‌دانند. اینان معتقدند که به دلیل بروز کمبودها و نارسایی تسهیلات زیربنایی، اجتماعی و کالبدی، محله‌های حاشیه‌نشین شکل می‌گیرند (۲۶). از نظر جامعه‌شناسان گروه‌ها و طبقاتی که مسلط بر منابع کمیاب اجتماعی شهری‌اند به موقعیت «زیست در متن» دست می‌یابند و در حیات جمعی نقش سوژگی ایفا می‌کنند. این خود مستلزم به حاشیه رانده‌شدگی طبقاتی است که در وضعیت «زیست در حاشیه» به سر می‌برند و در گستره فعالیت‌های شهری نقشی نیمه‌فعال یا غیر فعال دارند (۲۷). مانوئل کاستلز حاشیه‌نشینی شهری را مولود نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی و شهرنشینی ناهمگون می‌داند (۲۸).

بخشی از دیدگاه قشربندی اجتماعی، مدل محرومیت نسبی خوانده می‌شود که بیشتر بر ابعاد جرم‌شناختی نابرابری اقتصادی - اجتماعی تأکید دارد تا بر فقر مطلق (۲۹-۳۰). این احساس محرومیت، زمانی تشدید می‌شود که افراد توزیع نابرابر منابع را ناعادلانه بدانند و خود را ناتوان از بهبود موقعیت اقتصادی - اجتماعی خویش احساس نمایند. نتایج چندین تحقیق، ارتباط مورد انتظار میان محرومیت نسبی و جرم را تأیید کرده‌اند (۳۱).

در نظریه فشار به بلوکه‌شدن فرصت‌های اقتصادی - اجتماعی به عنوان عاملی در جرم و بزه‌کاری توجه می‌شود. از نظر رابرت اگنیو عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت است که باعث هدایت افراد به سمت کانال‌های نامشروع می‌شود. حذف انگیزه‌های ارزشمند مثبت (مانند طلاق) نیز می‌تواند عامل فشار باشد، چون فرد سعی می‌کند تا به خاطر آنچه که از دست رفته، انتقام بگیرد، منجر به بزه‌کاری می‌شود (۳۲-۳۰) و مورد آخر، ایجاد فشار در نتیجه وجود انگیزه‌های منفی با حضور محرک‌های منفی یا مضر (مانند تنبیه بدنی و زد و خورد خانوادگی) می‌باشد (۳۳).

۲- مبانی حقوقی تحقیق

حقوق شهروندی از جمله مفاهیم نوپدید است که به طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد. حقوق شهروندی وقتی بروز می‌کند که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند (۳۴). شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقای شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد. به عبارت دیگر حقوق شهروندی حقوقی است که با اجرای آن سلامت جسمی، روحی، فرهنگی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان را تأمین شده و ارتقا می‌یابد (۳۵). اسلام به عنوان یک دین فراگیر که به همه ابعاد زندگی بشر توجه نموده است، دستورات صریح و شفاف برای روابط اجتماعی انسان‌ها دارد و نه تنها به کمال معنوی انسان‌ها توجه نموده است، بلکه به چگونگی ساختن جامعه‌ای نمونه نیز توجه دارد. از جمله مسائل مهم حقوق شهروندی در اسلام توجه به کرامت انسان‌ها به عنوان اشرف مخلوقات، ارزش حیات و زندگی افراد، برابری بدون توجه به نژاد، رنگ، پوست و... می‌باشد. در عصر حاضر، شهرنشینی به عنوان یک پدیده اجتماعی، یکی از ضروریات زندگی محسوب می‌شود. زندگی اجتماعی مستلزم وجود روابط حقوقی بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه می‌باشد و این روابط اجتماعی می‌بایست تحت نظم و قاعده‌ای درآید. چه آنکه، در صورت عدم وجود نظم و ضوابط در جامعه، زور، اجحاف و تزویر بر روابط بین افراد حاکم شده و این موضوع موجب ایجاد هرج و مرج و نابسامانی خواهد شد. بهره‌مندی انسان‌ها از حقوق شهروندی از مباحث مهم حقوق دینی و غیر دینی است. حقوق شهروندی، حقوق انسان به خاطر زندگی در اجتماع معین با توجه به مقتضیات جوامع و شرایط زمانی و مکانی است. دستیابی به حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و قضایی از جمله حقوق شهروندی است (۳۶). هر پدیده نوظهور علاوه بر فوایدی

که برای اجتماع دارد، مضراتی نیز با خود به ارمغان می‌آورد. شهرنشینی هم از این قاعده مستثنی نبوده است. حاشیه‌نشینی از عواقب گسترش شهرنشینی است. اهمیت مسأله حاشیه‌نشینی هم از نظر حقوق و ارزش‌های انسانی و هم از نظر اجتماعی و اقتصادی و توسعه ملی ضروری است. همه ملت‌ها و آحاد بشر حق حیات دارند و نمی‌توان به صرف حاشیه‌نشینی افراد را از دستیابی به حداقل حقوق خود که داشتن یک زندگی بی‌دغدغه و با احساس امنیت و آرامش است، محروم نمود.

طبق اصول قانون اساسی، حقوق شهروندی، فرمان ۸ ماده‌ای حضرت امام و مقام معظم رهبری و همچنین چشم‌انداز ۲۰ ساله، نباید چیزی تحت عنوان حاشیه‌نشینی داشته باشیم. مطابق اصول قانون اساسی رعایت اصل مساوات، حق امنیت، حق اشتغال و کسب، حق برخورداری از تأمین اجتماعی و بیمه، حق برخورداری از آموزش رایگان، حق مسکن و سرپناه، حق دادخواهی عادلانه، حق انتخاب وکیل، حق آزادی، حق احترام به حیثیت و آبرو، حق مالکیت و حق شکایت از دولت در بین تمام شهروندان لازم‌الرعايه خواهد بود (۳۵). دولت موظف هست با اجرای دقیق این اصول شرایطی را فراهم کند که کسی حاشیه‌نشین نباشد. اصل بر شهرنشینی و روستانشینی است و حاشیه‌نشین‌ها مردمی سربار بر شهرنشینان و روستانشینان هستند و این نشان‌دهنده این است که حاشیه‌نشینی پدیده غیر عادی جمعیتی محسوب می‌شود. اشخاص به دلیل نبود امکانات زندگی سالم و مناسب، از روستا و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ مهاجرت کرده و چون با درآمد محدود توانایی زندگی در شهر را ندارند، ناچار در حاشیه‌شهرها ساکن شده و اغلب به کارهای پست رو می‌آورند. بنابراین ریشه حاشیه‌نشینی را باید در مشکلات اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و... جستجو کرد.

حاشیه‌نشینی را می‌توان ناشی از نوعی بی‌عدالتی در توزیع امکانات و ثروت و نادیده گرفتن حقوق برخی از مردم دانست. اگر حقوق شهروندی آحاد جامعه به صورت برابر مورد توجه قرار می‌گرفت، دیگر شاهد پدیده حاشیه‌نشینی نبودیم. به بیان دیگر حاشیه‌نشینی ریشه در ضعف کارکرد دولت‌ها دارد. یکی از اقدامات برای برخورد با حاشیه‌نشینی پذیرفتن این امر است

است که داده‌های آن نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۱- حاشیه‌نشینی و توزیع ناعادلانه خدمات و کاربری‌ها در شهر

جهت سنجش میزان نابرابری، محلات مختلف شهر یزد بر اساس حاشیه‌نشینی و غیر حاشیه‌نشینی بودن آن‌ها، به تفکیک هر کاربری و خدمات و با استفاده از مدل ضریب پراکندگی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که بر اساس آن از میان ۶ شاخص مورد مطالعه، ۴ شاخص آموزشی، بهداشتی، ورزشی و فضای سبز به ترتیب با ضرایب ۰/۷۸، ۹/۵۸، ۲/۳۱ و ۱۷۵ در محلات حاشیه‌نشینی تمرکز بسیار ضعیف و ناعادلانه ای را داشته‌اند، اما دو شاخص دیگر (فرهنگی و تجاری) با ضرایب ۰/۵۸ و ۰/۶۴ در محلات حاشیه‌نشینی توزیع متناسب را نشان می‌دهند که علت آن استقرار مراکز فرهنگی - مذهبی و بازارهای سنتی در بافت قدیمی و فرسوده شهر است، لذا ارتباط و همبستگی بسیار بالایی بین تخصیص ناعادلانه کاربری‌ها و حاشیه‌نشینی در شهر یزد وجود داشته و با در نظر گرفتن ضریب پراکندگی کل شاخص‌ها در محلات حاشیه‌نشینی (۱۸۸/۹) و محلات غیر حاشیه‌نشینی (۱۴/۴۹) چنین استنباط می‌شود که این شاخص‌ها ۱۳/۱۱ برابر در ضریب پراکنش، دارای عدم تعادل بوده و کاربری‌ها در محلات غیر حاشیه‌نشینی تمرکز بالایی را داشته و به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در حاشیه‌نشینی محسوب می‌شوند (جدول ۱، نمودار ۱).

جدول ۱: ضریب پراکندگی کاربری‌ها در محلات مختلف شهر یزد

شاخص	محلات حاشیه‌نشینی	محلات غیر حاشیه‌نشینی
آموزشی	۰/۷۹۹	۰/۶۴
بهداشتی	۹/۵۸۹	۲/۳۱
فرهنگی	۰/۵۹	۱۷۵/۰۷
تجاری	۰/۶۴	۰/۸۷
ورزشی	۲/۳۱	۱/۸۲
فضای سبز	۱۷۵/۰۷	۲/۵۷
کل شاخص‌ها	۱۸۸/۸۹	۱۴/۴۹

که حاشیه‌نشینی‌ها بخشی از جامعه و ذی‌حق هستند. دولت باید بخشی از درآمدهای حاصل از مالیات را در سال به رفع معضل حاشیه‌نشینی اختصاص دهد و در پایان هر دوره نیز نتیجه‌گیری کند. تقسیم برابر امکانات از سوی دولت راه‌کار اصلی برای رفع حاشیه‌نشینی است و در غیر این صورت حاشیه‌نشینی سبب بروز اعمال مجرمانه می‌شود. جدا از اقداماتی که برای حذف حاشیه‌نشینی از سوی دستگاه‌های ذی‌صلاح انجام می‌گیرد وجدان و وظیفه قانونی حکم می‌کند که رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی حاشیه‌نشینیان باید مورد توجه قرار بگیرد. علاوه بر قوانین جاری ناظر بر حقوق شهروندی در دین مبین اسلام نیز اعمال تبعیض در ارائه امکانات به شهروندان یک جامعه صرف تقسیم‌بندی لایه‌های اجتماعی امری حرام محسوب می‌شود (۳۷) و تبعیض طبقاتی را بر نمی‌تابد. (۳۴). بنابراین قبل از حذف این پدیده باید کسانی که به عنوان حاشیه‌نشینی محسوب می‌گردند، طبق اصول قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی در بهره‌مندی از خدمات مانند سایر شهروندان در شرایط مساوی قرار بگیرند و عنوان شهروند درجه یک و دو با این اقدام دولت از بین برود تا کم‌کم شاهد رفع پدیده حاشیه‌نشینی باشیم.

مواد و روش‌ها

روش مطالعه پژوهش، ترکیبی از روش‌های اسنادی، تحلیلی و میدانی است. جهت بررسی تأثیر نابرابری کاربری‌ها و خدمات در شکل‌گیری حاشیه‌نشینی، ابتدا ۶ گروه از کاربری‌ها و خدمات اساسی سطح محله (آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، تجاری، فضای سبز و ورزشی) مورد بررسی قرار گرفتند. برای آزمون فرضیات و تحلیل کمی از روش‌های آماری و چند مورد از مدل‌های سطح‌بندی سکونتگاه‌ها شامل جمع واحدهای خدماتی، استانداردسازی داده‌های مختلف‌الجنس، مدل ضریب ویژگی، مدل تاکسونومی عددی، مدل موریس و مدل ضریب پراکندگی استفاده شده است. نتایج حاصل از این مدل‌ها با مدل خوشه‌ای یا کلاستر توسط نرم‌افزار SPSS سطح‌بندی شده است. در مرحله بعدی ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه

۲- بررسی میزان عدم توسعه‌یافتگی و حاشیه‌نشینی

عدم توسعه‌یافتگی یکی از آثار نامطلوب توزیع ناعادلانه امکانات در مکان‌های مختلف است، لذا برای سنجش درجه توسعه‌یافتگی محلات شهر یزد از میزان تخصیص کاربری‌ها استفاده گردیده است. در این مبحث میزان این عامل در حاشیه‌نشینی سنجش و به صورت ضریبی بین ۱ و ۱- بیان شده است.

جهت سنجش این عامل ابتدا درجه توسعه‌یافتگی محلات مختلف شهر یزد از طریق مدل‌های ضریب ویژگی، تاکسونومی، موریس و سایر مدل‌ها برآورد شده و درجه توسعه‌یافتگی نهایی هر محله از ترکیب نهایی مدل‌ها مشخص گردید؛ به طوری که محله ۱۵ حایز رتبه اول، محله ۳۳ در رتبه دوم، محله ۷ در رتبه سوم، محله ۱۲ در رتبه چهارم و در نهایت محله‌های ۳۹، ۱۹، ۸ و ۳۸ در رتبه‌های آخر قرار گرفتند (جدول ۲، نقشه ۲)، سپس محلات حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین به ترتیب با ارزش‌های عددی ۱ و ۰ مشخص و داده‌های کیفی به داده‌های کمی تبدیل شده‌اند. در پایان با روش آزمون T میزان اعتبار همبستگی بین عدم توسعه‌یافتگی و حاشیه‌نشینی سنجش شد که این عدد معادل ۰/۰۳۵ است که به دلیل کوچک‌تر بودن از ۰/۰۵ قابل اعتبار است (۳۸). جهت سنجش میزان تأثیرپذیری عامل حاشیه‌نشینی از توسعه‌یافتگی محلات، اقدام به تحلیل از طریق رگرسیون خطی شده (۳۹) که این تحلیل نیز با ضریب همبستگی ۰/۳۲۴ و درجه اعتبار ۰/۰۳۹ نشان‌دهنده ارتباط بین عامل حاشیه‌نشینی و عدم توسعه‌یافتگی در محلات شهر یزد است، ولی فرض رابطه علت و معلولی بین این عوامل به دلیل فاصله ضریب رگرسیون از عدد یک رد می‌باشد. از این رو می‌توان گفت که بین حاشیه‌نشینی و توزیع ناعادلانه خدمات و در نتیجه عدم توسعه‌یافتگی ارتباط معنی‌داری وجود دارد، ولی این امر (حاشیه‌نشینی) از متغیرهای مستقل دیگری نیز تبعیت می‌کند که میزان تبعیت و همبستگی آن از سایر عوامل در مقایسه آماری با ضریب توزیع ۰/۶۷۶ خواهد بود.

۳- سطح‌بندی محلات شهر یزد بر اساس میزان برخورداری از خدمات و امکانات شهری

یکی از موضوعاتی که در تحلیل محلات حاشیه‌نشینی دارای اهمیت است، این است که اساساً این محلات از نظر میزان دریافت خدمات در چه حدی هستند و آیا محلاتی که حاشیه‌نشین نیستند، الزاماً در سطح بالای جدول سطح‌بندی قرار می‌گیرند؟ جهت سهولت مطالعات و جلوگیری از طولانی شدن جدول رتبه‌بندی، اقدام به سطح‌بندی محله‌ها بر اساس نتایج رتبه‌بندی شده است. بدین منظور از مدل آنالیز خوشه‌ای سلسله‌مراتبی (۴۰) و نرم‌افزار SPSS استفاده و ۴۱ محله شهر یزد به ۶ سطح تقسیم‌بندی شده است.

بر اساس نتایج تحلیل، کلیه محلات حاشیه‌نشین که دارای حداقل خدمات و کاربری‌ها هستند در سطح ۱ قرار گرفته‌اند و محله‌های غیر حاشیه‌نشین شماره ۷ در سطح دوم، شماره ۹ در سطح سوم، شماره ۱۰ در سطح چهارم و شماره‌های ۱۵ و ۳۳ نیز به ترتیب در سطوح پنجم و ششم جای دارند.

قرارگرفتن کلیه محلات حاشیه‌نشین در سطح ۱ حاکی از آن است که الزاماً تمام محلات حاشیه‌نشین فاقد کاربری‌ها و خدمات مناسب در تخصیص فضا و زمین هستند و محله‌های غیر حاشیه‌نشین نیز دارای تمایزاتی هستند و هر ۳۱ محله غیر حاشیه‌نشین الزاماً دارای تمام کاربری‌های مطلوب و بهینه نیستند. برای حاشیه‌نشینی بودن یک محله، غیر از کمبود امکانات، خدمات و کاربری‌ها، فاکتورها و شرایط دیگری نیز مطرح است. از این رو رابطه علت و معلولی بین فقدان کاربری‌ها در محلات و حاشیه‌نشینی با وجود ارتباط نزدیک و همبستگی مستقیم آن‌ها رد می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که یکی از ویژگی‌های محلات حاشیه‌نشین کمبود فضاها و توزیع نامطلوب خدمات عمومی است، ولی این کمبود امکانات می‌تواند در محلات غیر حاشیه‌نشین نیز مشهود باشد. عدم توسعه‌یافتگی در کاربری زمین و خدمات شهری از عوامل مؤثر در حاشیه‌نشینی بوده، ولی دلایل و ویژگی‌های دیگری نیز علاوه بر عدم توسعه‌یافتگی در شاخص‌های مذکور، برای حاشیه‌نشینی وجود دارد.

۴- تأثیرات عوامل مختلف بر آسیب‌های اجتماعی در محلات حاشیه‌نشین شهر یزد

در این قسمت از تحقیق، آسیب‌های اجتماعی به عنوان یکی از بازتاب‌های حاشیه‌نشینی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. افزایش آسیب‌های اجتماعی که زمینه‌ساز گسترش حیطه جرم‌زایی است، بخش جدایی‌ناپذیر حاشیه‌نشینی محسوب می‌شود. پدیده نامطلوب حاشیه‌نشینی اساساً بستر ارتکاب جرائم است. بدین منظور از عوامل و آسیب‌های اجتماعی مؤثر در حاشیه‌نشینی، ۳ شاخص مهاجرت، بیکاری و میزان درآمد به عنوان متغیرهای مستقل و آسیب‌های اجتماعی به عنوان متغیر تابع مورد بررسی قرار گرفته‌اند. جامعه آماری در صفت «حاشیه‌نشینی‌بودن» مشترک بوده و شامل تمامی خانوارهای واقع در محله‌های حاشیه‌نشین شهر است. حجم نمونه با استفاده از واریانس به دست‌آمده از پیش‌آزمون سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای احتمالی ۵٪، ۲۸۲ نفر (خانوار) محاسبه گردید.

۱- آیا بین مهاجرت و ارتکاب جرائم اجتماعی رابطه وجود دارد؟

جدول ۳: توزیع فراوانی نسبی پاسخگویان

بر حسب ارتکاب جرائم و مهاجرت

ارتکاب جرم	محل سکونت پاسخگویان (مهاجرت)		
	محل تولد	جا به جایی محل سکونت	شهری غیر از محل تولد
بلی	۶۲/۵	۲۵	۱۲/۵
خیر	۶۰	۲۷/۱	۱۲/۹

$$\text{Sig}=۰/۷۶۷, \chi^2=۰/۵۲۹$$

جدول ۳ نشان می‌دهد در بین افرادی که مرتکب جرم شده‌اند، ۶۲/۵ درصد آنان در محله تولد خودشان سکونت داشته‌اند و تنها ۳۷/۵ درصد آنان از محله تولد خود نقل مکان کرده و مهاجر محسوب می‌شوند، البته تقریباً همین نسبت در بین کسانی که مرتکب جرم نشده‌اند نیز وجود دارد. همچنین انجام آزمون آماری کای دو در مورد رابطه بین دو متغیر فوق

معنادار نشده است ($\text{Sig}=۰/۷۶۷$). بنابراین بین مهاجرت و ارتکاب جرائم اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

۲- آیا بین بیکاری و ارتکاب جرائم اجتماعی رابطه وجود دارد؟

جدول ۴: توزیع فراوانی نسبی پاسخگویان

بر حسب ارتکاب جرائم و بیکاری

ارتکاب جرم	میزان بیکاری در طول سال		
	کم	متوسط	زیاد
بلی	۳۳/۳	۱۱/۱	۵۵/۶
خیر	۶۴/۱	۱۸/۵	۱۷/۴

$$\text{Cramer's } V=۰/۱۷۷, \text{Sig}=۰/۰۱۵, \chi^2=۸/۳۶۳$$

بر اساس جدول ۴ در بین افرادی که مرتکب جرائم شده‌اند، ۵۵/۶ درصد آنان اکثراً در طول سال بیکارند، در حالی که ۱۷/۴ درصد از کسانی که مرتکب جرم نشده‌اند، به میزان زیادی در طول سال بیکارند. آزمون آماری کای دو نشان‌دهنده وجود رابطه معنی‌دار ($\text{Sig}=۰/۰۱۵$) بین این دو متغیر است. به عبارت دیگر، افرادی که به میزان بیشتری در طول سال بیکارند بیشتر مرتکب جرائم شده‌اند.

۳- بین درآمد خانواده و ارتکاب جرائم اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول ۵: توزیع فراوانی نسبی پاسخگویان

بر حسب ارتکاب جرائم و درآمد خانوار

ارتکاب جرم	درآمد خانوار (هزار تومان)		
	۱۵۰ و کم‌تر	۱۵۱-۳۰۰	بیشتر از ۳۰۰
بلی	۵۰/۰	۳۷/۵	۱۲/۵
خیر	۱۲/۸	۶۷/۳	۱۹/۹

$$\text{Cramer's } V=۰/۱۹۴, \text{Sig}=۰/۰۱۲, \chi^2=۸/۸۱۸$$

آمار جدول ۵ بیانگر این است که در بین افرادی که مرتکب جرم شده‌اند، درآمد ماهیانه خانواده ۵۰٪ پاسخگویان زیر ۱۵۰ هزار تومان بوده است و تنها ۱۲/۵ درصد آنان دارای خانواده‌ای با درآمد ماهیانه ۳۰۰ هزار تومان و بیشتر بوده‌اند،

در حالی که ۱۲/۸ درصد از کسانی که مرتکب جرم نشده‌اند، درآمد ماهیانه خانواده‌شان زیر ۱۵۰ هزار تومان بوده است. آزمون‌های بررسی‌شده در مورد رابطه بین دو متغیر فوق معناداری آن را تأیید می‌کند ($Sig=0/012$). به عبارت دیگر هر چه درآمد خانواده کم‌تر باشد، ارتکاب جرم بیشتر است.

بر اساس محاسبات صورت‌گرفته چنین برمی‌آید که بین متغیر بیکاری و میزان درآمد و جرائم اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد. حاشیه‌نشینی با بزه‌کاری و ارتکاب جرم رابطه نزدیک دارد (۴۱). حاشیه کلان شهرها اغلب مکان مستعد برای بروز انواع بزه به شمار می‌رود که به علت کنترل ضعیف یا عدم نظارت صحیح و مناسب از سوی نیروی انتظامی باعث افزایش وقوع جرم می‌شود. حاشیه شهرها را می‌توان به مناطق بی‌قانون و بی‌حاکم تشبیه کرد، زیرا به دلیل دوری از شهر بسیاری از جرائم و مشکلات در محدوده تحت تصرف آن‌ها بروز کرده و نوعی هرج و مرج رواج پیدا می‌کند که اگر نظارت صحیح بود، شاهد کاهش بزه و جرائم خواهیم بود (۳۷)، اما باید گفت که رابطه معنی‌داری بین عامل مهاجرت و جرائم اجتماعی مشاهده نشده است.

نتیجه‌گیری

حاشیه‌نشینی از پیامدهای توسعه ناهمسو و بدریخت در نظام شهرنشینی است. در روند گسترش شهرها نیز طی چند دهه اخیر آبادی‌ها و روستاهای بسیاری به شهرها پیوند خورده و در آن‌ها ادغام گردیده‌اند. این مناطق تمامی محله‌های حاشیه‌نشین شهر یزد را تشکیل داده‌اند (نقشه ۱). آثار نابرابری محله‌های شهر یزد در برخورداری از کاربری‌های شهری در شکل استفاده از فضا بازتاب پیدا کرده است. از این رو وقتی حاشیه‌نشینان پراکندگی نابرابر منابع و خدمات شهری را ناعادلانه دیدند و خود را ناتوان از بهبود موقعیت اقتصادی - اجتماعی خویش احساس کردند، احساس محرومیت در آن‌ها به وجود آمده و خود را شهروند درجه دو تلقی کرده که راه را برای ارتکاب جرائم اجتماعی هموار نموده است. با در نظر گرفتن ضریب پراکندگی کل شاخص‌ها در محلات حاشیه‌نشین (۱۸۸/۹) و محلات غیر حاشیه‌نشین (۱۴/۴۹) چنین استنباط

می‌شود که این شاخص‌ها ۱۳/۱۱ برابر در ضریب پراکندگی، دارای عدم تعادل بوده و کاربری‌ها در محلات غیر حاشیه‌نشین تمرکز بالایی را داشته و به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در حاشیه‌نشینی محسوب می‌شوند (جدول ۱، نمودار ۱). از سوی دیگر، بر اساس مدل‌های رتبه‌بندی سکونتگاه‌ها، محله شماره ۱۵ حایز رتبه اول، محله ۳۳ در رتبه دوم، محله ۷ در رتبه سوم، محله ۱۲ در رتبه چهارم و در نهایت محله‌های ۳۹، ۱۹، ۸ و ۳۸ در رتبه‌های آخر درجه توسعه‌یافتگی قرار گرفتند (نقشه ۲). بر اساس مدل‌های آزمون T و رگرسیون خطی، ضریب همبستگی ۰/۳۲۴ و درجه اعتبار ۰/۰۳۹ نشان‌دهنده ارتباط معنی‌داری بین حاشیه‌نشینی و توزیع ناعادلانه خدمات و عدم توسعه‌یافتگی است. بر اساس مدل خوشه‌ای، قرارگرفتن کلیه محلات حاشیه‌نشین در سطح ۱ حاکی از آن است که الزاماً تمام محلات حاشیه‌نشین فاقد کاربری‌ها و خدمات مناسب در تخصیص فضا و زمین هستند و محله‌های غیر حاشیه‌نشین نیز دارای تمایزاتی هستند و هر ۳۱ محله غیر حاشیه‌نشین دارای تمام کاربری‌های مطلوب و بهینه نیستند، برای حاشیه‌نشین‌بودن یک محله، غیر از کمبود امکانات، خدمات و کاربری‌ها، فاکتورها و شرایط دیگری نیز مطرح بوده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که یکی از عوامل شکل‌گیری و توزیع فضایی محلات حاشیه‌نشین کمبود فضاها و توزیع نامطلوب خدمات عمومی است. یافته‌های این قسمت از تحقیق به موازات دیدگاه بوم‌شناسی شهری بوده است که علت شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین را تمرکز گروه‌های فقیر در نواحی فاقد امکانات و خدمات کافی و محلات ارزان‌قیمت شهری بیان کرده است. یکی دیگر از یافته‌های این تحقیق در رابطه با پیامدهای اجتماعی و حقوقی حاشیه‌نشینی، رابطه بین میزان درآمد و ارتکاب جرم در بین حاشیه‌نشینان بوده است، به گونه‌ای که افزایش آسیب‌های اجتماعی که زمینه بروز جرم می‌باشد، به بخش جدایی‌ناپذیر حاشیه‌نشینی تبدیل گردیده است. از دیدگاه جغرافیای اقتصادی، این موضوع حایز اهمیت است. افراد مناطق حاشیه‌نشین که به دلایل مختلفی از داشتن درآمد بالا محروم هستند، به سختی قادرند تا حداقل معیشت را تأمین نمایند. عامل دیگری که رابطه معنی‌داری با

ارتکاب جرائم اجتماعی داشت، بیکاری بود. نداشتن درآمد و تحمل فشارهای اقتصادی از یکسو و فشارهای اجتماعی و روانی مترتب بر این مسأله از سوی دیگر باعث شده است که افکار نادرستی به ذهن افراد بیکار خطور کند و آن‌ها را به رفتارهای بزه‌کارانه و ارتکاب جرائم اجتماعی وادار نماید. یافته‌های این قسمت از تحقیق نیز، همسو با نظریات فشار و قشربندی اجتماعی و به ویژه نظریه محرومیت است که مدعی است افراد به دلیل داشتن مشکلات اقتصادی و کمبود درآمد از یکسو و مقایسه خود با دیگرانی که در شهر هستند و احساس شهروند درجه دو داشتن از سوی دیگر، تمایل زیادی به ارتکاب رفتار مجرمانه پیدا کرده‌اند.

References

- Center of Iran statistics (1335-1385).
- Razavian MT. Applied Programming of Urban Lands. Tehtan: Monshi Press; 2002.
- Pater R, Ivanz S. City in the developing world. Translated by Irandust K. Tehran: Sazman Shahrdariha va Hamyarihayeh Keshvar; 2005.
- Arbakaf A. On the measurement of service sector in urban economy. London: Rouledge; 2008.
- Hanink D. Application of urban economy. Oxford: Oxford University; 2007.
- Miller D. Principles of social justice. United State: Harvard college; 1999.
- Blau JR, Blau PM. The cost of inequality: Metropolitan structure and violent crime. *American Sociological Review* 1982; 47(1): 114-129.
- Hatami Nezhad H. Informal settlement in the metropolis of Mashhad. Tehran: Tehran University; 2003.
- Ghorbannia N. Legal justice. Tehran: Publication of the Cultural Institute of Modern and Modern Thoughts; 2001.
- Barabadi M. Settlement of urbanism phenomena. *Months of Municipalities* 2002; 4(45): 48-50.
- Amkachi H. Legislative and legal instruments affecting the population's outspokenness and the emergence of marginalization in the five-year economic development program of the country. *Journal of Seven Cties* 2002; 3(9-10): 56-65.
- Shakoe H. New Trends in Philosophy of Geography. Tehran: Gita Shenasi Press; 1378. Vol.1.
- Hall P. Urban & Regional Planning. Translated by Tabrizi J. 2st ed. Tehran: Process and Urban Planning Press; 1387.
- Varesi HR, Ghaed Rahmati S. Investigating the Impact of Urban Services Distribution on Population Spatial Disbalance, Case Study: Isfahan Districts. *Geography and Development Magazine* 2007; 9(5): 91-106.
- Porahmad A. Territory and Philosophy of Geography. Tehran: University Press; 2006.
- Nazarian A. Metropolitan point and its spatial reflection (Tehran case). *Geographic Quarterly of Territory* 2005; 2(7): 24-41.
- Kovandzic TL, Vieraitis M, Yeisley MR. The structural covariates of urban homicide: Reassessing the impact of income inequality and poverty in the post-Reagan era. *Criminology* 1998; 36(3): 569-599.
- Hiraskar GK. An introduction to fundamentals of urban planning. Translated by Soleimani M, Yekanifard AR. Tehran: Jahad Daneshgahi Press; 1387.
- Ansari A. Emigrant Iranians in u.s, a search in the two ghetto. Translated by Serri A. Tehran: Agah Press; 1369.
- Piran P. Urban social movement with the look to Iran conditions. *Journal of Aftab* 1380; 2(4): 1-2.
- Fokouhi N. Urban anthropology. Tehran: Ney Publisher; 1385.
- Gharakhloo M, Sharifi A. Creation, physical development & social- economic situation of bored towns (case study, ein sector 2 Ahvaz). *Journal of Geographical Research* 1383; 50(36): 87-101.
- Clinard MB. Slum and Community Development. New York: The Free Press; 1966.
- Bavi J. Getto regions Organizing in Ahvaz city with impress on Malashe region, MA thesis of Islamic Azad University. Isfahan: Najafabad Branch; 1384.
- HajYosefi A. Urban marginalization and its process of development, before the Islamic Revolution. *Quarterly Journal of the City of Haft* 2002; 3(42): 11-24.
- Rabani R, Afsharkohan J. Getto, partnership & urban social problems. *Journal of Isfahan Culture* 1381; 24(5): 95-101.
- Agh Bakhshi H. Indigenous and informal settlements (Proceedings). Tehran: University of Welfare and Rehabilitation; 2003. Vol.2.
- Williams KR. Economic sources of homicide: Reestimating the effects of poverty and inequality. *American Sociological Review* 1984; 49(4): 283-289.
- Messner SF. Poverty, inequality and the urban homicide rate. *Criminology* 1982; 20(1): 103-114.
- Fowles R, Merva M. Wage inequality and criminal activity: An extreme bounds analysis for the United States, 1975-1990. *Criminology* 1996; 34(2): 163-182.
- Agnew R. A General Strain Theory of Community Differences in Crime Rates. *Journal of Reserech in Crime and Delinquency* 1999; 36(2): 123-155.
- Seigel L, Senna J. Juvenile Delinquency. 6th ed. Thomson: West Publishing Company; 1997.
- Abbasi M, Mosavi Mirkalai T, Erfanimoghadam H, Erfanmanesh MH, Rahbar N. citizenship rights clinics. Teran: Law Publication; 2016. [Persian]

34. Rostami S. Citizenship rights and Legitimate freedoms. *Islamic Jurisprudence and Basis of Law* 2013; 1(1): 141-162.
35. Sheani M. Citizenship and Participation in the comprehensive welfare and social security system. *Journal of Social Security Rights* 2005; 3(18): 9-24. [Persian]
- 36 Kargar B. Border settlement and urban security. *Geography* 2007; 5(14-15): 139-148. [Persian]
37. Vahidiasl M. Statistics & probability in geography. Tehran: Payame Nor Press; 1386. Vol.2.
38. Mahdavi M, Taherkhani M. Application of statistics in Geography. Tehran: Goumss Press; 1383.
39. Kalantari K. Plannhng of development regional. Tehran: Khosh Bin Press; 1382.
40. Hekmatnia H, Afshani A. Border settlements and Committing social crime. *Human Geography Research* 2010; 72(42): 157-166. [Persian]